

فصل دوازدهم در معرفت و فهم دین (۱)

۱. ضرورت فهم دین برای انسان

انسان برای بهره گیری از هدایت دینی (که راه و رسم زندگی را از طریق وحی توفیقاً پیامبران از جانب خداوند نازل شده) نیاز به شناخت و فهم دین دارد. پس این خود یک وظیفه دینی است که عقل به عنوان حجت جوئی خداوند به آن دلالت می کند و همچنین وحی نیز انسان را به آن ارساد میکند در آیات و روایات هم بر آن تأکید شده. از طرفی برای شناخت دین باید قدر آن و روایات را شناخت و از طرفی دیگر در قرآن و روایات عام و خاص، ناسخ و منسوخ، حکم و تنسیب و... وجود دارد و برای فهم این موارد باید آگاهی و مهارت خاصی داشت که برای هر کسی مسیر نیست. از این رو همان طور که در قرآن هم اشاره شده افرادی باید در این راه بکوشند و مهارت های لازم برای فهم دین بیاورند و در اختیار دیگران نیز قرار دهند.

۲. امکان فهم دین برای سبک باکی است ؟

حیثاً نفور که در قرآن هم اشاره شده (زخرف ۲-۴) قرآن دارای دو مرتبه وجود است. یک مرتبه از آن در لوح محفوظ قرار دارد که برای سبک قابل فهم نیست و مرتبه دیگر از لوح محفوظ بر جان پیامبر متدل یافته که سبک هم می تواند آن را بفهمد. مقصود از حکیم بودن قرآن هم وجود بسیط و تفصیل نیافته آن است.

۳. ابزارهای معرفت و فهم دین را نام ببرید. (توضیح)

حواس ظاهری، درک و جبرانی، تفکر عقلی

(کارکرد عقل در معرفت دینی در سهای قبل روشن شد). مساعده آیات تکوینی - اعم از مساعده سعوی و علمی - زمینه ساز تفکر عقلی در نظام آفرینش و خدا شناسی است. چنان که آگاهی از معجزات پیامبران هم از طریق ادراک حسی

| اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب | نیمه شب |
|----------|------------|----------|------------|-----------|---------|
| ۰۵:۱۳ | ۰۶:۴۲ | ۱۱:۴۰ | ۱۶:۳۹ | ۱۶:۵۹ | ۲۲:۵۶ |
| ۰۵:۴۸ | ۰۷:۱۴ | ۱۲:۱۳ | ۱۷:۱۳ | ۱۷:۳۳ | ۲۳:۲۹ |



۴. (بنیائی و لسوائی) احسان بزرگ بوده همچنین آگاهی از روایات، تاریخ دین، شرح حال راویان هم از طریق ادراک حسی قابل فهمند. درک وجدانی و دریافت درونی هم از دو جهت در دین شناسی به کار می آید: یکی تمایلات فطری و دیگری کسب و شهود عرفانی که هر کس می تواند انجام آن و ریاضتها می آید را ندارد.

۴. قواعد مهم دین را می آید.

قواعد منفی قواعد لغوی و ادبی اصول لغوی قواعد حرمتی و تنبیهی

۵. توضیح هر کدام از قواعد :

قواعد منفی : قواعد منفی راهگشای هرگونه تفکر و شناخت صحیحی است. همین خاطر هم دانش ها بسیاری و ایم داران نهانند و میان معجزات دینی و غیر دینی در این تفاوتی وجود ندارد.

قواعد لغوی و ادبی : نخستین گام برای شناخت آیات و روایات آگاهی از معانی الفاظ (که مربوط به لغت است) و شناخت قواعد ادبی (که مربوط به دستور زبان است) است. برای شناخت معانی باید زبان زبان تدریس و شناخت و این دوره بیشتر ندارد: تتبع و تدبر (در کاربرد مختلف الفاظ در آیات و روایات)، رجوع به آثار ادبی در عصر رسالت رعایت قواعد صرف و نحو بلاغت و حفظ حدت هم در فهم معانی مهم است چون قرآن با این روشها معصوم خود را بیان میکند و هر بایستی در هر زمانی با مردم خود عمل خود را از سخن صلیت تا پیام الهی را برای آنها برساند

قواعد لغوی : گفتمان دینی با قواعد عقلایی حاکم بر محاوره های عقلایی در سبکها حکم است. زبان قوم معرومی گسترده تر از قواعد ادبی دارد و شامل روشهای عقلایی در محاوره نیز می شود. این قواعد عقلایی همان اصول و قواعدی است که در علم اصول فقه به آن اصول لغوی میگویند. اصالت حقیقت، اصالت عموم، اصالت اطلاق اصالت ظهور و... از مهم ترین معانی های اصولی و بازشناخت هم به اصالت ظهور است.

| اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب | نیمه شب |
|----------|------------|----------|------------|-----------|---------|
| ۰۵:۱۲ | ۰۶:۴۳ | ۱۱:۴۰ | ۱۶:۳۸ | ۱۶:۵۸ | ۲۲:۵۵ |
| ۰۵:۴۵ | ۰۷:۱۴ | ۱۲:۱۳ | ۱۷:۱۲ | ۱۷:۳۲ | ۲۳:۲۹ |



این
است
است
است

قواعد حدیثی (تا آدرس یا قیاس) در قواعد مربوط به فهم و تفسیر متون را بیان میکند

(الف) حدیثی - حتی تنها کاحیاتی - معنایی دارد که نویسنده بی خواهر از طریق آن الفاظ آن معناها و مقدر خود را به خواننده یا شنونده برساند. رایج متن و معنا حذف و مفرد یا حال و محل نسبت بلکه نسبت آنها دال بر معلول یا حاکی و حکمی است.

(ب) رسالت معشر و تفسیر این است که با در نظر گرفتن قواعد فهم معنایی را که نویسنده در نظر داشته را باز شناسد. فرق این قاعده یا قاعده بسین این است که قاعده بسین مربوط به معنای ثبوت و نفس الامر بود و این قاعده مربوط به معنای اثبات و کشف معنای متن است. در تفسیر قوآن باید دنبال مراد خدا بود در احادیث پیامبر دنبال مراد او

(ج) رایج کلام و معلوم رایج فعل و فاعل یا علت و معلول است. پس هر سقایی که از نویسنده دانا و حکیم صادر میشود تجلی شخصیت و ویژگیهای وجودی اوست. هانفورد که امام علی مرفوعه که خداوند در کلام خویش بر خلقش تجلی کرده پس هم می توان از طریق سخن به شخصیت مسلم می برد و هم می توان از طریق شناخت ویژگیهای معلوم با معنای کلام آشنا شد

(د) می توان با توجه به کمالات وجودی گوینده برای شنیدن لایه های در نظر گرفت. از آنجا که خداوند نامحسوس صفا را دارد کلامش کامل ترین معنادر است و طبق روایات دارای ظاهر و باطنی است (۷، ۷، ۷، ۷) که ظاهرش با تدریس تفکر عقلی روشن می شود اما با شنیدن جز با شامل مکتوب و تزیین روحی امکان پذیر نیست و از آنجا که هیچگونه سهو و اشتباهی در این کلام نیست بهترین راه تفسیر این کلامها این است که آنها را با هم و کنار هم تفسیر کرد نه با جزئی

(و) هدف از تفسیر بیان مراد گوینده است پس مفسر نباید در تفسیرش داری کند در غیر این صورت معنایی که برست می آید مقصود گوینده نیست بلکه مقصود مفسر است. مفسر نمی تواند بدون هیچگونه اندرخته ذهنی و با در تفسیر کند بلکه مقصود آن است که مفسر با در نظر گرفتن ویژگیهای مؤلف از یک سو و قواعد ادبی و اصول مجازیه از سوی دیگر مراد گوینده را بشناسد آن گاه معنای مقصود او را با جهان بینی خود (شناختی که از انسان و جهان دارد)

تشکیل شورای انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۷. ۰۵. ش)

مقاسم کند و به ارزیابی آن پردازد سه روش بیدار شناسانه
و معشر بیدار اول معنای متن را آن گونه که مؤلف عقد کرده شناسد و بارای خود ارزیابی کند و معصود عود
را در برانند بلند آرد .

معدل بسیر در هم معرفت و فهم رین (۲)

۱- کمال اسلام بر چند پایه استوار است؟

۱- قرآن که اصول و کلیات معارف و احکام الهی را بیان کرده

۲- سنت پیامبر (ص) که آن اصول و کلیات را تبیین کرده

۳- عترت معصوم (پیامبر اص) که به عنوان میراث داران راستین نبوت و مزرعینان معلوم شریفیت، هدایت بسیر را تا قیامت بر عهده دارند

۲) گونه های تحول در فهم را نام ببرید و توضیح دهید.

۱- تحول عرضی: آن است که فهم قبلی با بعدی تعارض داشته باشد به گونه ای که صدق و کذب هر دو امکان پذیر نباشد

و نظریه سکون و حرکت زمین

۲- تحول طولی: آن است که فهم قبلی با بعدی تعارض نداشته باشد بلکه مکمل آن است

فهم بسیر در گذشته از خواص خلاصه کرب آب و امروزه از ترکیب سیسیای آن

۳) دو شاخص برای سنجش تأمل در فهم چیست؟

تحول کهن و تحول کینی. هرگاه در فهم و معرفت انسان نسبت به چیزی تا عمل رخ دهد، نخست فهم و معرفت

او نسبت به آن چند اقتزایی می یابد و در بر توانی اقتزایی تحول کینی هم تحقق می یابد یعنی انسان نسبت به آن

چیز فهم بهتری بدست می آورد.

شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر (۱۲۳۰ ه. ش)

| نیمه شب | اذان مغرب | غروب آفتاب | اذان ظهر | طلوع آفتاب | اذان صبح |
|---------|-----------|------------|----------|------------|----------|
| ۲۲:۵۴ | ۱۶:۵۵ | ۱۶:۳۵ | ۱۱:۳۹ | ۰۶:۴۳ | ۰۵:۱۳ |
| ۲۳:۲۷ | ۱۷:۲۹ | ۱۷:۰۹ | ۱۲:۱۲ | ۱۷:۱۴ | ۰۵:۴۶ |



۴. صورتهای اقزایی معروف انسان دریا و نیک و اقیانوس و توفیق دهد.
- ۱- واقفیت مورد معرفت دارای اجزای وجهه دعای کوناگون است . ممکن است انسان برهنی از اجزای ابرانه و با آنست زمان با اجزای دیگر آشنا شود
 - ۲- واقفیت مورد شناخت بدیهی است ولی دارای درجات و مراتب وجودی است و انسان در آغاز برهنی از مراتب راجعی شنا سو و بعد مراتب دیگر راجعی شنا سو
 - ۳- واقفیت مورد شناخت دارای آثار وجودی کوناگون است ، در تقییم اقزایی معرفت نسبت به آثار آن اعمان پذیر خواهد بود .
(دین هر سینه آنها را دارد)

۵. خیم معقولین در مورد محبت شامل توفیق دهد .
اولاً شامل پذیر بودنی مسلم نیست
ثانیاً خیم آنان جزو دین است و نسبت را کمال می دهد نه پس
و منسردتر آن است

۶. راجع تحول عرضی و شامل خیم چیست ؟

تحول عرضی آنرا بصورت مستقیم یا شامل نرم ارتباطی ندارد ولی غیر مستقیم در تعامل معرفت نفس دلرد
زیرا اگر معرفت ذهنی افعال شود و معرفت جمید جایی آن را کلید و انسان با کثرت رفتن مجابسه چه
واقفیت را پوشانده بود چه واقفیت را آن گونه که هست پسند زیرا معرفت نادرست در واقع جعل هر یک
است نه معرفت و فهم و با زین رفتن آن انسان به فهم رسیده و تعامل می رسد

اجرای طرح استعماری حذف حجاب به دست رضا خان (۱۳۱۴ ه. ش)

| نیمه شب | اذان مغرب | غروب آفتاب | اذان ظهر | طلوع آفتاب | اذان صبح |
|---------|-----------|------------|----------|------------|-------------|
| ۲۲:۵۲ | ۱۶:۵۲ | ۱۶:۳۲ | ۱۱:۳۸ | ۰۶:۴۲ | ۰۵:۱۳ مشهد |
| ۲۳:۲۶ | ۱۷:۲۶ | ۱۷:۰۶ | ۱۲:۱۰ | ۰۷:۱۵ | ۰۵:۴۵ تهران |

۷. تجرد معرفت و شامل فهم در نفس انسان چگونه قابل توصیف است؟

تجرد و شامل در واقع مربوط به نفس (عالم و مدرک) است و نسبت دادن آن به صورت‌های ادراکی، مجازی است. نفس انسان در سائیه فهم حاو ادراک‌های بی‌تیری که از یک چیز نیست می‌آورد شامل معرفت پیداکلیت و حقیقت بی‌تیر می‌شود در حالیکه صورت‌های ادراکی او ثابت اند و صورت‌های ادراکی بی‌تیر به صورت‌های ادراکی بی‌تیر مبدل نمی‌شود بدین جهت است که او آن‌ها را مقایسه میکند. نفس انسان اگر چه مجرد از ماده است ولی چون تجرد آن تجرد نیست شامل وجودی در مورد آن امکان پذیر است. یک گونه شامل نفس شامل علمی است که از طریق اتمدایش معرفت نسبت به حقایق هستی تحقق می‌پذیرد.

۸. فرضیه تحول تئوریک معانی را بیان کرده و نقد کنید.

به اعتقاد برخی معنای الفاظ از تئوریک‌های فلسفی و علمی هر زمان تأییدی پذیرند و چون تئوریک‌ها تحول می‌یابند معانی الفاظ نیز تحول می‌یابند. در نتیجه برخلاف ماده الفاظ و کلمات آنها که در زمان‌های مختلف ثابت است صورت و روح معنای آنها در بریتو تحول تئوریک‌ها متحول می‌گردند مثل کلمه خوردن که در گذشته از نظر مردم کوه ای تراخته بود که در زمین می‌چرخید اما امروزه کوه ای متشکل از گازهای هیدروژن و هلیوم است که زمین دورش می‌چرخد. در این تغییر میان معنای عام و خاص خلط شده. در هر زمانی فلسفه فیلسوفان و دانشمندان هستند که فهم و علم دقیقتری نسبت به مردم دارند، این دانشمندان با هم در مورد چیزی که بحث می‌کنند یک تئوریک اصطلاحات و تئوریک‌ها را به کار می‌برند (به معنای خاص) که مردم عادی آن‌ها را نمی‌فهمند و برای اینم برای مردم توفیق دهند از اصطلاحات و کلمات ساده‌تری و قابل فهم استفاده می‌کنند (به معنای عام). اگر فرض کنیم تئوریک فلسفی و علمی تغییر می‌کند آنچه متحول می‌شود معنای خاص و ارگان است نه معنای عام آن‌ها.



۹) گونه های فهم عصری دین را بیان کنید

الف) در فهم دین باید تحولات فکری و اجتماعی بشر و نیازهای جدید او را در نظر گرفت، از دانش جدید تا حد ممکن برای فهم دین استفاده کرد و رایج ~~بود~~ پرسش های زندگی جدید بشود. به استناد مهری آن را به عنوان اسلام و مقتضیات زمان یا اسلام و نیازهای زمان تعبیر کرده
ب) مفاهیم دینی معنای ثابت ندارند. معنای آن ها تابع تغییرهای فلسفی و علمی هر دوران است. بر این اساس الفاضل رانکه در کتاب و سنت آمده نباید بر اساس معنای آن ها در عصر ثورل و عصر در روایات معنا کرد بلکه باید متناسب با فهم فلسفی و علمی و تقورات فکری هر عصری معنا کرد.

۱۰) دو دلیل برای تفهیم دوم فهم عصری دین را بیان کنید

- ۱) مفاهیم دینی از علم محیط جداوند که فراتر از زمان و مکان است سرچشمه میگردند و ناخبره و آفتهای معنی هستند درک و فهم مردم عصر ثورل، بنا بر این مردم در هر عصر و زمانی مفاهیم دینی را مطابق دانش عصر خود می فهمند و در نتیجه فهم بسیار ازین پیوسته عصری خواهد بود
- ۲) از آنجاکه مخاطب جدا در قرآن فهم ~~است~~ انسانهاست هر انسانی در هر عصری حق دارد قرآن را بنه ر چون در هر عصری تفکرات فلسفی - علمی - کلامی و... انسانها متفاوت است خود آیات قرآن هم برای انسانها متفاوت است

۱۱) گونه های فهم عصری دین را نقد کنید

- ① هر چه مبری در عصر خود برای انتقال پیامش به زبان مردم عصر خود سخن میگوید بر این اساس برای فهم معنای واژه ها قرآن (عربی) با برد معانی آن ها در عصر ثورل را معیاس قرار داد نه معانی مستحکات را
- ② واژه ها دوسری معنا (معنای خاص و عام) دارند اما اساساً نمی توان معنای خاص و ممتاز آن را تفسیرهای علمی را

| نیمه شب | اذان مغرب | غروب آفتاب | اذان ظهر | طلوع آفتاب | اذان صبح | مشهد |
|---------|-----------|------------|----------|------------|----------|-------|
| ۲۲:۵۲ | ۱۶:۵۱ | ۱۶:۳۰ | ۱۱:۳۷ | ۰۶:۴۳ | ۰۵:۱۳ | |
| ۲۳:۲۵ | ۱۷:۲۵ | ۱۷:۰۵ | ۱۲:۱۰ | ۰۷:۱۵ | ۰۵:۴۵ | تهران |



۱۱. معنای معنای سناسی و ارکان قرآن قدر داد زیرا این تئوری حاخا نیدینه در حالیکه وحی معنون از حق است

۱۳. گاهی تحول در مورد ارکان مربوط به معنای آن حائست بلکه مربوط به معنای آن است. مثل اسلمه، حیران که یک معنا بیتر ندارند اما نزدیک است زبان معنای آن فرق کرده. غرض از وضع یکات بیان معنای ویژه بوده ولی معنای اولیه آن ها خصوصیت نداشته از این رو نباید بروی آن معنای آن که در زیر بلکه باید غرض اصلی از وضع آن ها را در نظر گرفت

۱۲. آیا با جاودانگی پیام های وحیانی معانی آیات با تصور سردی اجتمعی و فرهنگی متحول می شود؟ خیر زیرا جاودانگی اسلام اعتقاد میکند که معانی قرآن بر معنای متحول در زمان های مختلف منطبق گردد نه این که معانی و ارکان قرآنی تحول یابد

۱۲. و ارکان دارای دو معانی (خاص و عام) هستند برای فهم معانی رُکاء الهی باید معانی ثابت و ارکان را معنا قرار داد و معنای متحول را معنای در حدیک اعمال ملاحظ کرد نه به عنوان معنای قطعی

۱۳. سیرت و حیاتی خاتم النبیین تا در برابر فهم های بیرون دینی موضوعات تعالی داشته باشد بلکه ناقص و ناقص است و برخی معنای بیرون دینی را تقویت و برخی را تضعیف میکند

ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به روایت اهل سنت (۵۳ سال قبل از هجرت)، آغاز هفته وحدت



۱. چون خشم نماید این امر او را از حق خارج نسازد
 امام صادق علیه السلام: سه چیز در هر که باشد ایمانش کامل است: ۱. چون خشم نماید این امر او را از حق خارج نسازد
 ۲. و چون از چیزی خشنود گردد این شادی او را به گناه نکشاند ۳. و چون به قدرت رسید گذشت و بخشش نماید.

(تحف العقول، ص ۳۳۹)

فصل چهارم کثرت فهم ها و مهم بخیار

۱. کثرت حولی **مفصل** فهم را توابع داده و بگوید در چه صورتی کثرت حولی قابل تقوی است؟

- کثرت حولی کثرتی است که در آن فهم های متقدر با هم تقابلهنگارند و این در حجابی است که کثرت متن حینه معنا دارد و حدس یک معنای آن را می فهمد

۱- آیات قرآن از جهات گوناگونی (ادی سیاسی - فقهی - تاریخی - ...) قابل مطالعه است و هر متخصصی با توجه به تخصصش به تفسیر و مطالعه دقیق آن می پردازد

۲- گونه دیگر کثرت حولی معنای متن این است که معنای مدلول مطابقی کلام است و معنای مدلولی دیگر مدلول اندامی کلامند مثلاً ای ای معلوب بودن عبادت است بر معلوب بودن معرفت خدا و تدریج در قرآن و آفرینش مقدمات لازم برای شناخت خداوند هم دلالت میکند

۳- گاهی معانی متقدر مراتب و درجات یک حقیقت اند یعنی معنای قرآنی یک حقیقت دارای مراتب و درجات است در این صورت دلالت لقی بر معانی متقدر دلالت مطابقی خواهد بود با این تفاوت که ذهن های معلولی تنها سطح نخستین آن را درک می کنند و ذهن های دقیقتر درجات و سطوح بالاتر را

۲- کثرت فهم های عرفی در چه مواردی امکان پذیر است؟

کثرت فهم های عرفی در مواردی امکان پذیر است که دلالت متن بر معنا و مقصود مؤلف صریح نباشد یعنی ساختار ترکیبی کلام یا دارگانی که متن از آن حاشیه شده به گونه ای باشد که در دلالت آن بر مقصود مؤلف دویا حینه احتمال داده شود

ابلاغ پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به گربا چف رهبر شوروی سابق (۱۳۶۷ ه. ش)

| نیمشب | اذان مغرب | غروب آفتاب | اذان ظهر | طلوع آفتاب | اذان صبح | مشهد |
|-------|-----------|------------|----------|------------|----------|-------|
| ۲۲:۵۱ | ۱۶:۴۹ | ۱۶:۲۹ | ۱۱:۳۶ | ۰۶:۴۳ | ۰۵:۱۳ | تهران |
| ۲۳:۲۴ | ۱۷:۲۳ | ۱۷:۰۳ | ۱۲:۰۹ | ۰۷:۱۴ | ۰۵:۴۵ | |

(۲) نفس، جعل، ظاهر و تقریب کینه

- جایی که دلالت کلاً بر مقصود مشکم صریح و آشکار است در اصطلاح به آن نفس می گویند
- جایی که دلالت کلاً بر مقصود مشکم صریح و آشکار نیست و در مورد آن دو یا چند احتمال داده می شود، احتمالاتی که با قواعد عقلی سازگاری ندارند ولی هیچ یک از احتمالات برد دیگری ترجیح ندارد به جعل
- عرض دوم با این تفاوت که برخی از احتمالات بر برخی دیگر رجحان دارند به ظاهر

(برای برطرف شدن اجمال کلاً و ترجیح یک احتمال و همچنین تبدیل دلالت ظاهری به نفس می توان از قدرین لغوی و غیر لغوی استفاده کرد)

(۳) عوامل اختلاف فهم حار و بیان کینه

- یکی از عوامل به تفاوت های مربوط به ساختار فکری، ذهنی، جسمی، روحی افراد با زحمی گذرد که یا ناشی از اسباب طبیعی و آفرینشی است یا ناشی از اسباب تعلیمی و تربیتی. در این تفاوت های فکری و ادراکی در روانی افراد در میانی معرفتی یا قواعد و اصول تفسیری میان آن ها اختلاف بوجود می آید. گاهی افراد در قواعد اتفاق نظر دارند اما در تطبیق آن حاکم بر مصادیق اختلاف دارند. داشتن موافق مذهبی، سیاسی، اجتماعی در نیز از عوامل اختلاف در فهم و تفسیر متون دینی اند. باره ای اختلافات هم منشأ نفسانی در سببانی دارند

(۴) مهم ترین معیارهای ارزیابی و داور می متون دینی کدامند.

- ۱) اصول مسلم عقلی به اصل علم تناقض در...
- ۲) قواعد منطقی تفکر به بدون رعایت این قواعد تفکر درست انجام نمی شود و استدلالات مغالطه آفرین می شود
- ۳) قواعد مسلم زبان شناختی و عقلایی حاکم بر محاوره و مفاهیم بسدی به با فرض اینکه دولت با همین قواعد سخن گفته
- ۴) سازگاری تفسیر با اصول و محکمات متن

شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ ه.ق)

۵) ها هکتی تنبیر با مبانی فکری و جهان بینی مؤلف متن یا گونه سخن

۶) در مرجعیت دینی و سیاسی کدام رأی اجتهادی در همه دلایل مرجع رسمی به شما را بدید؟

در اینجا دو مسئله را هم باید جدا کرد: اصل مرجعیت و تکمیر آن

مرجعیت یعنی مقوله ای جدا از دیگر حفته های علمی و معرفتی انسان که نیازمند تخصص می باشد نیست و عقل حکم می کند که هر جا انسان فاقد تخصص باشد به متخصص در زمین رجوع کند.

فکر و مرجع دین هم همان فکر و دین است. بر عکس تقدیر سکولاریستی که دین را مختص عبادت فردی میدانند مرجعیت را هم مختص مسائل فردی اعتقادی و عبادی می دانند.

اعمال مرجعیت دینی در غیر از مسائل مدیریتی سیاسی جامعه محدود از افراد غیر متخصص باید به یکی از عقیدتان واحد شرایط رجوع کنند و در مدیریت جامعه باید فتوای مجتهدی را عمل کرد که چیزی جامعه را بر عهده دارد

۷) تقدیر نسبی گزینی و کثرت قرائت ها را بیان کرده و نقد کنید

- یعنی هیچ رأی و فهم تنبیری را نمی توان به طور کامل درست دانست زیرا می توان قرائن و سواحدی را برای

توجه یک تقدیر بر تقدیر های دیگر درست آورد. این تقدیر لا مینا دارد: متن واحد دارای معنای متعدد در

عرض یکدیگر کنند. آنچه متن واحد به صورت عرفی یک معنا پس ندارد ولی هر کس بر اساس پس نظرخواه

پس فهم های خود از آن معنای واحد برداشت ویژه ای کند و هیچ کس آن معنای واحد را آن گونه که

هست نمی تواند بسنجد. از قرائن گروه تقابلی بین فنون و خواهر متون دینی نیست و فنون هم

مثل خواهر دارای احتمالاتی است.

- مبنای نخست تقدیر کثرت قرائت ها و نسبت معنا نادرست است زیرا این معنا مینا معنای متن را تابع قصد

و نیت مؤلف نمی داند بلکه آن را نتیجه دخالت و ترکیب افق تاریخی متن و مفسر متن می داند و چون افق تاریخی

مفسر تغییر معنی میکند معنای متن نیز متحول و متغیر خواهد بود. این مبنا، تنها دلیل عقلی و تجربی ندارد بلکه عقلی است.
شوازی متن هم سازگاری ندارد زیرا لفظی عقلای بشر این است که هر معنی که با یک معنای است که مؤلف می خواهد
آن را به خواسته برساند

بر اساس مبناي دوم اگر هم انسان تفسیرهای مختلف از یک معنا است اما اولاً این مطلب در خصوص که در بیان و
تدقیقایی که دلالت آنها بر معنوی است راه ندارد ثانیاً در مورد ضوابطی که توان تصویب کرد در این بدون معنی
یا بدون معنی به اندازه ای باشد که به نفس تبدیل شود و مفسر در مورد آن به رأی عقلی برسد ثالثاً ملاک ما در مورد
آرای تفسیری قبل از هر چیز روشن و قواعد تفسیر متن است هرگاه تفسیر معنی برخلاف قواعد باشد حتی اگر مخالفین
هم داشته باشند نادرست است رابعاً چنین نیست که مفسر نتواند از تکمیل رأی خود بر متن بچیز نماید علاوه بر
این، این فرض که هم انسانها در همه مسائل پس فرض های متفاوتی دارند و در نتیجه هم های آنان از یک متن
متفاوت خواهد بود نیز ادعایی پس نیست که اگر اینطور باشد راه گفتگو بسته می شود زیرا لازم است که عقلی این
است که انسان ها در هیچ مسئله ای هم مستدک نداشته باشند و معقول هم را نهند.

۱۳۹۱، ۴، ۱۴

المسائل دعا خیر

| بیت | اذان مغرب | غروب آفتاب | اذان ظهر | طلوع آفتاب | اذان صبح |
|-------|-----------|------------|----------|------------|----------|
| ۲۳:۴۸ | ۱۶:۴۵ | ۱۶:۲۵ | ۱۱:۳۳ | ۰۶:۴۲ | ۰۵:۱۱ |
| ۲۳:۲۱ | ۱۷:۲۰ | ۱۶:۵۹ | ۱۲:۰۶ | ۰۷:۱۳ | ۰۵:۴۳ |